

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۳۰ جنوری ۲۰۱۸

خیزش لشکر "داغ لعنت خوردگان"

خیزش وسیع و خود جوش توده های به پا خاسته در روز های اخیر که در ده ها شهر به وقوع پیوست و همچون زلزله ای بزرگ سلطه خونین رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی را به لرزه انداخت، بار دیگر حدت و شدت خشم و نفرت ستمدیدگان را در مقابل چشم همگان قرار داد. ستمدیدگانی که زیر سلطه نظام سرمایه داری وابسته حاکم در فقر و فلاکت و گرسنگی دست و پا می زنند و فقر و فلاکتی که کارد به استخوان ستمکشان رسانده آنها را واداشته تا به خیابانها بریزند و فریاد "مرگ بر گرانی" سر داده و خواهان "نان، کار و آزادی" شوند. از آنجا که لشکر بیکاران و ستمدیدگان در تجربه زندگی در یافته اند که نان و کار و آزادی جز از طریق نابودی جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حافظ نظام ظالمانه سرمایه داری دست نیافتنی است، شاهد بودیم که چگونه تظاهرات این توده های انقلابی فوراً با شعار های "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" تداوم یافت.

یکی از خود ویژگی های خیزش جاری توده ها این واقعیت است که اکثریت تظاهرکنندگان را بیکاران و در واقع جوانان بیکاری تشکیل می دهند که به رغم همه تلاشهایشان در چارچوب نظام سرمایه داری حاکم قادر به پیدا کردن شغلی برای تأمین زندگی خود نشده اند. بیکارانی که حتی اگر برای تهیه مایحتاج زندگی خود بتوانند به دستفروشی و کولبری و مسافر کشی روی بیاورند، دولت حاکم به انحاء مختلف آنها را مورد ضرب و شتم و فشار قرار می دهد. تنها نگاهی به همین سه مورد شغل کاذب حد و خامت اوضاع طاقت فرسای کنونی برای مردم تحت ستم ایران را نشان می دهد.

شیوه برخورد خشونت آمیز و سرکوبگرانه دولت با دستفروشان را بارها و در شهر های مختلف دیده ایم. کشتار کولبران به خصوص در گوردستان هم امری نیست که از چشم کسی پنهان مانده باشد. در رابطه با مسافر کشی هم می دانیم که دولت روحانی قصد داشت در چهارچوب بودجه سال ۹۷ قیمت بنزین را افزایش داده و به این طریق مسافرکشان را هم تحت فشار قرار دهد. همه این تشبیهات ضد مردمی در شرایطی است که کارفرما ها نیز از پرداخت به موقع دستمزد ها خودداری می کنند و مشغله ذهنی هزاران کارگر شاغل چگونگی دریافت دستمزد کاری است که مدتها پیش انجام داده اند. تمامی این ظلم و ستم ها در شرایط خفقان و فشارهای مختلف سیاسی و اجتماعی روی کارگران و زحمتکشان شرایطی را در جامعه به وجود آورده است که عملاً از آستانه تحمل ستمدیدگان گذر نموده و

کار را به آنجا رسانده است که آنها به خیابانها ریخته و خواهان سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی گردند.

نگاهی به آنچه توده های جان به لب رسیده در لرستان فریاد زدند گویای مسایل زیادی است. آنها فریاد می زدند که "ما همه بیکاریم، خدایتان را در می آوریم". این که "داغ لعنت خوردگان" به جایی رسیده اند که فریاد می زنند "خدایتان را در می آوریم" در حالی که نشاندهنده آن شرایط هولناکی است که بورژوازی زالوصفت برای آنها به وجود آورده و باعث شده که امروز برآستی کارد به استخوان آنها برسد، در همان حال نشان می دهد که این "هیچ بودگان" جامعه که خود فریاد می زنند در مبارزه با جمهوری اسلامی جز زنجیرهای دست و پایشان چیزی ندارند از دست بدهند، همه مقدسات این رژیم مذهبی را هم مورد تمسخر قرار قرار داده و به آن حمله می کنند. از این روست که این خیزش بزرگ هر سرنوشتی هم پیدا کند در این امر که کارگران و زحمتکشان ایران رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان دشمن خود و عامل فقر و فلاکت در جامعه می شناسند و به همین خاطر برای سرنگونی آن به میدان مبارزه آمده اند، تغییری نمی دهد. در جریان این خیزش از کارگران بیکار گرفته تا زحمتکشان متحد طبقه کارگر، با نمایش خشم و نفرت شدید خود از کلیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با دست خالی به مقابله با حکومت سرنیزه به پاخاسته اند و با حمله به مراکز سرکوب و ستم نشان می دهند که برای سرنگونی رژیم و تحقق خواسته های انقلابی و به حق خود کاملاً آماده جانفشانی هستند.

درست در شرایط ملتهب کنونی است که دولت اجباراً اعلام کرده که فعلاً قیمت بنزین را افزایش نخواهد داد و یا قصدش برای قطع بارانه میلیونها رنجبر را به تعویق خواهد انداخت. اینها عقب نشینی های جزئی است که رژیم به آنها دست زده است و البته آماده است تا در شرایطی دیگر همین ها را هم پس بگیرد. شکی نیست که این رژیم اساساً با مبارزه مسلحانه و قهر انقلابی همه توده ها به زباله دان تاریخ سپرده خواهد شد. اما دست یازیدن به همه اشکال دیگر مبارزه می تواند این رژیم را که امروز تحت فشار قرار دارد بیش از پیش در تنگنا قرار داده و به شرایط سرنگونی آن کمک نماید. خیزش توده ئی دیمه [جدی] در واقع در ادامه هزاران اعتصاب و تجمع کارگری آغاز شد. وسعت اعتصابات و اعتراضات کارگری در یک سال گذشته با شدت تمام ادامه یافته است. کارگران مبارز ما در یک سال گذشته ضمن دست زدن به اعتصاب با روی آوری به شیوه هائی از مبارزه از جمله با توسل به راهپیمائی در خیابان ها و بند آوردن جاده و غیره با سرمایه داران و رژیم حامی آنها یعنی جمهوری اسلامی مبارزه کرده اند. امروز، موقعیت ضعیف جمهوری اسلامی به دلیل مبارزه جوئی علنی توده های سراسر ایران، فرصت مناسبی برای کارگران شاغل به وجود آورده است تا با تداوم اعتصابات خود که عمدتاً به منظور دریافت دستمزدهای معوقه صورت می گیرد بیش از پیش رژیم را در فشار و تنگنا قرار دهند.

وسعت گیری اعتصابات و تجمعات اعتراضی در چنین شرایطی در حالی که به معنای پشتیبانی کارگران شاغل از جنبش یاران خود در خیابانها و تقویت آنهاست، در عین حال فرصتی است که آنها بتوانند با فشار به رژیم موفق شوند بخشی از حاصل دسترنج خود را از حلقوم سرمایه داران انگل و زالو صفت بیرون بکشند. بنابر این، کارگران شاغل امروز باید شرایط خاص پیش آمده را بدرستی تحلیل کرده و برای کسب دستمزد کاری که ماهها پیش انجام داده اند دست به اعتصاب و تجمع بزنند. مبارزه توده های انقلابی و جان برکف در سراسر ایران که به طور برجسته در هفتم دیمه [جدی] در مشهد آغاز شد، خیزش توده های متعلق به اردوی کار و "هیچ بودگان"ی است که به قول سرود جهانی طبقه کارگر باید به دست خود نعمت خود آرند به دست و "هر چیز گردند". به هر طریق ممکن باید به این مبارزه شکوهمند یاری رساند و کمک شایان به آن با گسترش اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران ممکن است.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۴۸ ، پانزدهم دی ماه [جدی] ۱۳۹۶